

گزارش «شرق» از تداوم نگاه‌های جنسیتی به رانندگی زنان در سطح شهر

جنگ بیشتر؛ سهم زنان برای رانندگی در خیابان



نسترن فرخه: اولین گواهی‌نامه زن ایرانی طبق برخی اسناد تاریخی به سال‌های ۱۳۱۹ هجری شمسی در کشور برمی‌گردد. اتفاقی که بیش از ۸۰ سال از وقوع آن می‌گذرد و دیگر رانندگی زنان جامعه نه یک پدیده ویژه، بلکه به یک روزمره معمول بدل شده است. اما نگاه‌های جنسیتی نسبت به رانندگی زنان همیشه قدرت بیشتری داشته، تا حدی که تجربه برخی زنان از ناامنی روانی در حین رانندگی حکایت می‌کند. آن هم با به کار بردن جملاتی نظیر آنکه «زن را چه به رانندگی»، «تو باید پشت ماشین لباسشویی بنشینی»، طبق مشاهدات بیشتر زنان در حین رانندگی و روایت‌های این گزارش. زنان در موقعیتی که دچار بی‌احتیاطی و خطا در رانندگی شوند، با میزان توهین و تحقیر بیشتری نسبت به مردان مواجه می‌شوند؛ به شکلی که گویا زنان راننده، خیابان را از مردان به عاریه بردند اما این به آن معنا نیست که رانندگی اصولی، زنان را از گزند هر تسمخر و توهینی دور نگه دارد. آزارهایی که قوانین موجود هم چندان حمایتی برای پیگیری آن در اختیار زنان نگذاشته است. اینها همه در حالی است که زنان همیشه سهم کمتری در تخلفات رانندگی دارند و در آخرین آمارهای تیرماه امسال، سرهنگ جوانبخت، رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ گفته بود: «در تصادفات جرحی امسال ۸۸ مردان و تنها ۱۲ درصد زنان مقصر بودند. خانم‌ها تخلفات حادثه‌ساز را کمتر تجربه می‌کنند و انتخاب آنها معمولاً احتیاط هست. آنها خیلی رفتارهای پرخطر و ریسک‌پذیر را انجام نمی‌دهند.

ک‌ه ما برای تمرین باید در منطقه‌ای می‌رفتیم و مثلاً دور دوفران تمرین می‌کردیم، آنجا هنرجوهای دختر و پسر همه بودند اما بیشتر متلک‌ها به ما دخترها گفته می‌شد. دیگر حوصله این جالش‌ها را نداشت‌م و بعد از گرفتن گواهی‌نامه دیگر رانندگی نمی‌کنم».

چون‌زن هشتم رانندگی‌ام مشکل دارد

بیش از ۱۰ سال از شروع رانندگی مریم می‌گذرد. حالا هر روز از خانه تا محل کارش را رانندگی می‌کند و ماهی یک بار هم با ماشین سفرهای برون‌شهری می‌رود اما با وجودی که از کم‌شدن این نوع متلک و آزارها حرف می‌زند اما به تجربه‌های قابل‌تاملش هم اشاره می‌کند و می‌گوید: «خیلی برای من پیش می‌آید که مثلاً در یک کوچه یا خیابان باید دور بزنم یا پارک کنم، بعد چند ناظر می‌گویند چیزی نیست هول نشو. این رفتارها نه از سر محبت و نه از سر احترام است بلکه تنها از روی تسمخر است که هنوز هم برای من آزاردهنده است. اتفاقاً از آدم‌های بیمار، از هول و دستپاچه‌شدن زنان لذت می‌برند... به نظرم این بدترین نوع آزار است... در کل رانندگی برای من به‌عنوان زن سخت‌تر از رانندگی برای مردان است. بارها در رانندگی حق با من بوده اما به تسمخر راننده‌های دیگر جلوی من می‌چینند، از نظرشان حتی اگر حق تقدم با من هم باشد چون زن هشتم رانندگی‌ام مشکل دارد».

خیلی‌ها من را به‌عنوان مربی‌زن راننده قبول ندارند

حدود ۱۵ سال از مربیگری عاطفه می‌گذرد و حالا در یکی از آموزشگاه‌های رانندگی تهران مشغول به کار است، از آزارهای خیابانی در هنگام تعلیم در خیابان تا نگاه بعضی هنرجوها برای گرفتن مربی می‌گوید که در تمام این نگاه به رانندگی زنان وجود دارد و ادامه می‌دهد: «شاید هر روز نه اما هر هفته با یک جمله و متلک جدید آشنا می‌شوم. وقتی هنرجو در ماشین است، این جمله را خیلی می‌شنوم که زن را چه به رانندگی... حتی هنرجوها برای انتخاب مربی بیشتر از آقایان انتخاب می‌کنند چون فکر می‌کنند مردها رانندگی بهتری دارند. در صورتی که مثلاً به مجموعه ما زنان جزئیات بیشتری را به هنرجوها آموزش می‌دهند و درصd قبولی هنرجوها ما خیلی بیشتر از مردها است».

بوق‌های ممتد آزاردهنده؛ چون‌زن هشتم

بیش از ۱۲ سال از اولین رانندگی سپیده می‌گذرد، در این سال‌ها بارها ماشین عوض کرده و حالا برای خرید ماشین و خرابی ماشین تقریباً یک راهنمای خوب بین دوست و آشنا تبدیل شده، باین‌حال از

به کجا شکایت می‌کردم؟
حالا بیش از شش سال است که سعیده به دلیل شرایط کاری که دارد مرتب بین تهران و شهرهای دیگر با خودروی شخصی در تردد است. قبل از شروع روایت تأکید دارد که تحقیر و تسمخرهای حین رانندگی، کمتر شده است و ادامه می‌دهد: «با وجود تردد زیادی که بین تهران و شهرستان دارم این رفتار در خیابان‌ها مختلف است. تجربه توهین در حین رانندگی من در تهران خیلی کمتر شده، ولی مثلاً پیش می‌آید که در اتوبان در لاین خودم حرکت می‌کنم که یک‌دفعه راننده پشتی من شروع به بوق و چراغ‌زدن‌های ممتد می‌کند تا مثلاً یک ماشین از من جلو بيفتد... درست است که این رفتارها کمتر شده اما در برخی شهرها هنوز هم تا متوجه می‌شوند راننده یک زن است، فضا را در خیابان برای من ناامن می‌کنند. مثلاً چند وقت پیش در خیابان اصلی حرکت می‌کردم که یک آقای بی‌احتیاط از فرعی به جلوی من پیچید، درواقع حق با من بود اما شروع به فحش‌های زنده کرد که مثلاً زن را چه به رانندگی، آن روز حالم خیلی بد شد، چون اصلاً کاری از من بر نمی‌آید. به کجا از دست این آقا شکایت می‌کردم؟ مثلاً شماره پلاک را برمی‌داشت‌م و با آن چه می‌کردم؟ هفته‌ای چند بار پلاک راننده‌های توهین‌کننده را بردارم؟ من از این ناراحت بودم که نتوانستم از خودم دفاع کنم».

از ترس تسمخرها دیگر رانندگی نکردم

از تاریخ صدور گواهی‌نامه نسیم یک‌سال و نیم می‌گذرد اما به دلیل تجربه آزارهای حین تمرین رانندگی، بعد از اتمام آموزش و گرفتن گواهی‌نامه دیگر پشت ماشین ننشسته و علت آن می‌گوید: «راستش فکر نمی‌کردم در محله ما هم آدم‌هایی باشند که به زنان راننده متلک بیندازند. هرروز که برای تمرین رانندگی با مربی به خیابان می‌رفتیم، متلک‌های جدید می‌شنیدم. مثلاً یکی کنار پنجره می‌آمد و می‌گفت آخه زن را چه به رانندگی یا مثلاً موتوری رد می‌گفت نکشیمون... حتی بی دلیل فحش می‌دادند. یک روز خیابان پشت چراغ قرمز بودیم که پسری جوان با موتور کنار ما آمد و با لحن تحقیرآمیزی من را نشان داد و به مربی من گفت: بابا اینو ببار تو خیابون، بلد نیست می‌زنه به ماها، مربی توضیح داد زیر پایای خودش ترمز و کلاچ است اما آن آقا شروع به فحاشی کرد و حتی وقتی من ششبه را بالا کشیدم به این رفتارهای تحقیرآمیز خود ادامه داد و رفتیم. واقعا تا چند دقیقه حال من و مربی بد بود و متحیر این همه بی‌ادبی بودیم. این محضه‌ها را به خوبی در خاطر دارم

چه کسی عدد نمی‌داند؛ تلاش برای پنهان کردن تراکم فروشی

شرق: گزارش درآمد- هزینه شهرداری نشان‌دهنده چگونه اداره مالیه یک شهر است. البته اگر شهرداری این گزارش را مطابق ماده ۷۹ قانون شهرداری‌ها دقیق و به‌موقع ارائه کند، نمایندگان مردم شهر در شورا می‌توانند برای اعمال نظارت مالی خود بر شهرداری اقدامات لازم را انجام دهند و شهروندان نیز ابعاد چگونگی تأمین مالی شهرداری و نحوه هزینه‌کرد عوارض و بهای خدماتی را که به شهرداری پرداخت‌اند، به‌صورت مستند و دقیق پیگیری کنند اما اگر شهرداری بنا بر دلایلی ثبت درآمد‌ها و منابع وصول‌شده را مطابق قانون منعکس نکند، آن‌گاه چرخه مالییه شهری و سنجش اثرات آن‌ها بر ابهام‌هایی جدی مواجه می‌شود و زمینه تهدید منافع و حقوق عامه در شهر را فراهم می‌کند.

بهروز شیخ‌رودی، معاون محاسبات و پایش عملکرد شورای پنجم پایتخت، در واکنش به گزارش درآمد- هزینه پنج‌ماهه شهرداری تهران، به «شرق» گفت: ظاهراً تهیه‌کنندگان این گزارش درآمد- هزینه، با عدد نمی‌دانسته‌اند یا با ماهیت اعداد در درآمد‌های شهرداری چندان آشنا نوده‌اند و بیشتر هدفشان آن بوده است تا ادعای شهرداری تهران برای نفروختن تراکم در چارچوب گزارش درآمد- هزینه پنج‌ماهه نخست سال ۱۴۰۲ ارائه کنند. خوب است آقای راکانی که دیگران را به عدد ندانستن و حرف‌های کلی زدن متهم می‌کند، بیابند و توضیح بدهند چطور ممکن است شهرداری تهران توانسته در پنج‌ماهه نخست سال ۱۴۰۲ از محل عوارض زیربنای مسکونی رقمی بالغ بر چهارهزارو ۱۸۱ میلیارد تومان منابع کسب کند؟! راکانی و مدیرانش که هنر کسب درآمد این چنینی از

عاطفه نیازمند کمک شماس‌ت

شرق: عاطفه زن بی‌سرنهایی که هرگز خانواده نداشته و در روزهای کودکی در خیابان رها شده، حالا در آستانه ۱۹سالگی و خروج از مرکز خیریه باید به فکر سقفی برای آرتنده خود باشد. او بدون آنکه بخواهد به دوران زندگی بزرگسالی و استقلال وارد شده است. عاطفه به کمک خیرین در یک خیاطی زانته مشغول به کار شده است. حقوق فعلی او پنج‌میلیون تومان است. عاطفه می‌گوید اینکه وارد خانه‌ای خالی بشود که کسی دیگر منتظرش نیست، برایش بسیار دشوار است اما او که هرگز طعم خانواده‌داشتن را نچشیده، مقدار خود را بپذیرفته که تنهاست و فعلاً باید به زندگی متغیر و نقلیاتیایی خوکند. او می‌گوید: فکر نهر کردن خانه را که از سرم بیرون کردم‌ام، چون حداقل ۲۰۰ میلیون تومان می‌خواهد و من هم بیش از ۰۰۰ میلیون ندارم. اما اگر بتوانم پول را به ۱۳۰۰ میلیون برسانم، خانه کوچکی در یک محله جنوبی امن امان تهران می‌توانم اجاره کنم که اجاره‌بهای ماهانه آن دو میلیون تومان است. مسئول خیاطی هم که در آن مشغول به کار هستم، به من قول داده بعد از سه ماه حقوقم به هفت میلیون تومان برسد تا بتوانم زندگی آبرومندانه‌ای

برای خودم دست‌وپا کنم. اما حالا از همه چیز می‌ترسم. از آدم‌ها در خیابان می‌ترسم. هنوز خیلی آماده صحبت‌کردن نیستم و اعتمادبه‌نفس ندارم. انگار وارد جهانی شده‌ام که پر از غریبه است؛ آدم‌هایی که نمی‌شناسم و اگر بداندند پدر و مادر ندارم، قضایم می‌کنند. عاطفه وحشت‌زده به نظر می‌رسد. ناخن‌هایش را می‌چود، گاهی از جایش



مرتکب جرائم مذکور در آن ماده و از جمله توهین شود، دادرس باید او را با حداکثر مجازات مقرر محکوم کند».

مرحله اثبات آزار خیابانی بسیار سخت است

به‌صورت کلی درباره توهین به همه افراد، ماده ۶۰۸ قانون مجازات در بخش تعزیرات به آن اشاره کرده که توهین به افراد، فحاشی، به کار بردن الفاظ رکیک که موجب حد قصر نباشد را جرم می‌داند و برای آن مجازات تعیین کرده است. مهدیه فرهادی، وکیل دادگستری، در همین زمینه به «شرق» می‌گوید: «هرچند که مجازات آن شلاق و جرای نقدی بوده؛ اما قانون کاهش حبس‌های تعزیری که مصوبه ۹۹ است، باعث از بین رفتن مجازات شلاق شد و برای توهین فقط همان مجازای نقدی درجه شش در نظر گرفته شد که حداقل دو میلیون تا هشت میلیون تومان می‌شود. این صرفاً درباره توهین است که به همه افراد مربوط است؛ اما درباره خانم‌ها ماده ۶۱۹ قانون مجازات را داریم که در آن تصریح می‌کند که هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض و مزاحم اطفال یا زنان شود، مجازات خواهد شد. همچنین اگر الفاظ و حرکات مخالف شئون را به کار ببرد، حبس دو تا شش ماه، به‌علاوه ۷۴ ضربه شلاق در نظر گرفته شده است. البته کاهش حبس‌های تعزیری آن را هم تغییر داد و چون جزء جرائم قابل گذشت است، حداقل و حداکثر مجازاتش به نصف تقلیل پیدا کرد؛ یعنی حداقل به یک تا سه ماه تغییر کرد. این در حالی است که هر جرمی که اتفاق می‌افتد، حمله اثبات بسیاری دشواری دارد، برای مثال اگر در ماشین به خانمی فحاشی و توهین شده باشد و آن خانم قصد پیگیری قضائی داشته باشد، برای اثبات آن به شهادت دو مرد نیاز دارد. درواقع در مرحله مقدماتی اولین کاری که شاکی باید انجام دهد، این است که ادله و مدارک خودش را ارائه دهد. یکی از آنها می‌تواند شهادت دو شاهد آقا باشد و اگر شاهدان خانم هستند، باید تعداد آنها بیشتر از آقایان باشد. باین‌حال اگر یک خانم در ماشین تهن بوده و با توهین از طرف راننده مرد ماشین دیگری مواجه شده باشد، شاهدی برای اثبات این ماجرا ندارد. پس سرحد اثبات این موضوع بسیار سخت است و نهایت اگر به مرحله اثبات هم برسد، مجرم با یک حبس ناچیز روبه‌رو می‌شود که اگر اجرای این حبس را هم در نظر بگیریم، متأسفانه عملاً اجرایی نمی‌شود. مثلاً حبس یک تا سه ماه را که در نظر بگیریم، در قانون حبس یک ماه در اجرای احکام اصلاً اجرا نمی‌شود».

قصد پنهان‌کاری ندارند، بیابند بگویند چطور می‌شود که در خلال خرداد تا مرداد

سال جاری، در‌حالی‌که شهرداری توانسته است رقم دوهزارو ۷۶۹ میلیارد تومان از محل عوارض زیربنا (در حد تراکم پایه) کسب کند، تنها رقمی بالغ بر ۷۳۹ میلیارد تومان از محل مازاد تراکم درآمد کسب کرده؟! در برابر تحصیل آن درآمد از محل عوارض زیربنا (در حد تراکم پایه)، شهرداری با تخصیص تراکم مجاز در چارچوب طرح تفصیلی قاعدتاً می‌بایست رقمی بالغ بر شش‌هزار میلیارد تومان درآمد از محل مازاد تراکم کسب کند اما در مقابل ما شاهد ثبت درآمدی بسیار کمتر برای این منبع درآم‌د پرحاشیه شهرداری تهران هستیم؛ موضوعی که با توجه به نسبت مالی که میان عوارض زیربنا و عوارض مازاد تراکم وجود دارد، جای تعجب دارد. شیخ‌رودی در اشاره به ادعاهای مکرر راکانی درباره نفروختن حتی یک سانتی‌متر تراکم به «شرق» گفت: راکانی که برای زیر بار نرفتن فروش تراکم واحد سانتی‌متر را در عرضه تراکم ساخت، بادش نرود که عملکرد ۱۵هزارو ۴۳۷ میلیارد تومان درآمد از محل مازاد تراکم را در دوران مدیریتش بر شهرداری تهران در سال ۱۴۰۱ ثبت شده است، حالا با این گزارش‌های درآمد- هزینه‌ای که از سوی حسابرס مستقل ارزیابی و تأیید نشده و به نوعی خود اظهاری شهرداری است، نمی‌توانند روی تراکم‌فروشی سروپوش بگذارند. خوب است مدیریت شهری دوره ششم پاسخ دهد چه مسئله‌ای باعث شده است درآمد ۱۵۸ میلیارد تومانی شهرداری از محل عوارض بر زیربنا و در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۱، حالا در پنج‌ماهه نخست سال ۱۴۰۲ با بیش از دو هزار درصد رشد به رقم چهارهزارو ۱۸۱ میلیارد تومان رسیده است؟! خوب است شهردار دلایل این رشد دو هزار درصدی را برای شهروندان تشریح کند و اسناد مربوط به آن را برای راستی‌آزمایی در سامانه شفافیت منتشر و در دسترس عموم قرار دهد.

رایزنی‌های سال ۹۶ و بازگشت الواح هخامنشی

شیکاگو مذاکراتی داشتیم و با اسناد و مدارکی که ارائه کردیم، توانستیم نظر مساعد آمریکا را برای بازگرداندن الواح جلب کنیم.

افزود: اسناد و مدارک لازم را فرستادیم برای دفتر نمایندگی مان در آمریکا. آنها هم پیگیری کردند و دیوان عالی آمریکا رای دادگاه نیویورک را که حکم به مصادره اموال صادر کرده بود، شکسته و مانع از مصادره این اموال شد. سپس با مؤسسه دانشگاه شرق‌شناسی شیکاگو پیگیری کردیم که این اموال را به‌صورت امانی ۸۴ سال قبل امانت گرفته‌اید یا باید ما برگردانید. همچنین به این دانشگاه تأکید کردیم که هردو مجموعه‌ای فرهنگی هستیم فارغ از هرگونه مسائل سیاسی بین دو کشور. مونسان گفت: به ما اعلام کردند که درحال مطالعه هستند و ما هم گفتم‌ی‌ز ۸۴ سال قبل تاکنون قطعاً بخشی را مطالعه کرده‌اید و آنها را برگردانید. بسته اول را که هزارو ۸۷۳ لوح بود، در آن زمان به ایران بازگرداندند که آن هم داستان‌های خود را دارد، نه پول کافی برای بسته‌بندی داشتیم، نه برای حمل‌ونقل و نه برای بیمه. با سازمان برنامه و بودجه هم رایزنی کردیم اما بودجه‌ای به ما اختصاص ندادند. ما هم به دانشگاه شیکاگو اعلام کردیم که از ایران الواح را تحویل گرفته‌اید و باید در ایران به ما تحویل دهید. آنها هم موافقت کردند.

افزود: اجازه و راه این را که الواح تاریخی به کشورمان بازگردانده شود، ما باز کردیم. البته آقای ضرغامی در توییت خود با رعایت اخلاق به این موضوع اشاره کرده است. اما این ادعا که بازگرداندن الواح هخامنشی نتیجه مذاکرات حقوقی بود صحیح نیست. البته مذاکرات حقوقی از مصادره الواح هخامنشی جلوگیری کرد، به‌زودی محموله‌های دیگر را هم تحویل می‌دهند. ما به آنها اعلام کردیم که اگر الواح هخامنشی را پس ندهند، مبادلات فرهنگی متوقف خواهد شد.

جاری شهرداری تهران خویشتن‌دارانه فقط ۷۳۹ میلیارد تومان تراکم فروخته است! این خویشتنداری در قالب اعداد گزارش درآمد- هزینه زمانی باورپذیر بود که ما رکوردشکنی فروش ۱۵هزارو ۴۳۷ میلیارد تومان مازاد تراکم در سال ۱۴۰۱ با مدیریت راکانی بر شهرداری تهران را شاهد نمی‌بودیم، نه اینکه آقایان در بهار سال ۱۴۰۲ رقم درآمد حاصل از تراکم‌فروشی را نسبت به سال ۱۴۰۱ چیزی بالغ بر ۱۴۵ درصد افزایش بدهند و بعد در پایان مرداد ۱۴۰۲ گزارش درآمد و هزینه‌ای تنظیم کنند که رقم درآمد حاصل از مازاد تراکم آن با درآمد تحصیل‌شده از عوارض زیربنا هیچ تناسبی نداشته باشد.

این کارشناس مالیه و اقتصاد شهری با اشاره به رابطه مستقیم بین درآمد ناشی از عوارض زیربنا و مازاد تراکم به خبرنگار «شرق» گفت: شهردار تهران باید از خودش بپرسد چطور هنگام ارائه لایحه بودجه میزان عوارض زیربنای مسکونی (در حد تراکم پایه) را با ۱۵ درصد افزایش به رقم هزارو ۲۰۹ میلیارد تومان رساندند و در نقطه مقابلش برای عوارض مازاد تراکم ۶۰ درصد افزایش پیش‌بینی کرده بودند؟! اما حالا و موقع ارائه گزارش درآمد- هزینه این نسبت یک به سه یا چهار عوارض زیربنا در برابر مازاد تراکم برعکس شده است؟! اگر با این اعداد و ارقام می‌خواهند بگویند شهرداری درحال ترک تراکم‌فروشی است، چرا نسبت بین اعداد و ارقامی را که در لایحه بودجه به رسمیت شناخته بودند، موقع اجرای بودجه و تنظیم گزارش درآمد- هزینه رعایت نمی‌کنند؟ مدیریت شهری دوره ششم چه چیزی را می‌خواهد لاپوشانی کند و از چشم مردم قایم کند؟ اگر

هفته گذشته بود که ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور کشورمان، با سه‌هزارو ۵۰۶ لوح تاریخی هخامنشی به کشور بازگشت. او که برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک رفته بود، دست بر برگشت.

عزت‌الله ضرغامی، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران، هفته گذشته دراین‌باره گفته بود: در فرودگاه هستم. قرار است از آقای رئیس‌جمهور و سه‌هزارو ۵۰۶ لوح تاریخی مربوط به دوره هخامنشی که در هوایپمای ایشان است، استقبال کنم. پیگیری‌های مستمر نتیجه داد و سرانجام ۹ صندوق، هرکدام به وزن ۷۵ کیلوگرم که شامل پنج‌هفته گذشته به ایران تحویل داده شد. اما رایزنی‌ها و مذاکرات برای بازگشت الواح هخامنشی در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی آغاز شد. در آن زمان مونسان، وزیر وقت گردشگری موفق شد در سال ۹۶ از مصادره الواح جلوگیری کرده و دانشگاه شیکاگو را راضی به بازگرداندن الواح کند. به‌طور حتم بسته‌های بعدی در راه است و این روند ادامه دارد.

زمانی که اکنون به‌ثمرنشست

علی‌اصغر مونسان، وزیر پیشین گردشگری، به «شرق» گفت: بازگشت الواح هخامنشی به دلیل مذاکرات و رایزنی‌های ما از سال ۹۶ است. در آن زمان با دانشگاه